

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

منشور اخلاق پژوهش

با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ما دانشجویان و اعضاء هیئت علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسن، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیرحرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیرعلمی می آلابند.



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

تعهد اصالت رساله یا پایان نامه تحصیلی

اینجانب دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته
پایان نامه خود تحت عنوان "
که در تاریخ
" با کسب نمره
دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام. این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء



دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق

رشته حقوق خصوصی

عنوان:

بررسی وضعیت حقوقی افراد در حالت مرگ مغزی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید حسن شبیری زنجانی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمدعلی خادمی کوشا

نام دانشجو:

زهرا زند

زمستان ۱۳۹۳



دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق

فرم صورتجلسه دفاع

موضوع پایان نامه:

کد شناسایی:

با تاییدات خداوند متعال، گواهی می شود که جلسه دفاعیه پایان نامه دانشجوی رشته ورودی
به شماره دانشجویی نیمسال انتخابی در تاریخ روز ساعت در دانشگاه آزاد
اسلامی واحد نراق برگزار شد و پس از بررسی و تبادل نظر به شرح ذیل طبق رای هیات داوران حاضر در جلسه با نمره به عدد (از
۱۸ نمره) و به حروف و با درجه به تصویب رسید.

استاد راهنما:

استاد مشاور:

استاد داور ۱:

استاد داور ۲:

مدیر گروه:

نماینده دفتر تحصیلات تکمیلی:

معاون پژوهش و فناوری:

سپاسگزارى

حمد و سپاس بى کران خداوند متعال را که توانایی انجام این پروژه را بر من سهل و ارزانی داشت. پروردگارا، سپاسگزارم که چراغ علم را فراروی زندگی ام قرار دادی. بر خود لازم می دانم به مصداق حدیث شریف " من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق " از تمامی عزیزانی که مرا در تدوین این پژوهش یاری دادند تشکر و امتنان داشته و از خداوند متعال سلامتی و توفیق آن ها را آرزومندم.

بر من فرض است ابراز سپاس بى حد از استاد عزیزم، معلم اخلاق، جناب آقای دکتر در مقام استاد راهنما که در طی این پژوهش با متانت و دقت نظر با راهنمایی های عالمانه و روشنگرانه انجام تحقیق را تسهیل نمودند تقدیر، تشکر و سپاسگزارى می نمایم.

تقدیم به کلیه عزیزانی که مرا در این مسیر یاری کردند.

چکیده

مسئله مرگ مغزی را می توان یکی از مسائل بسیار مهم روز جهان شمرد که همه تلاش های گروه های علمی این عرصه در راستای تشخیص این پدیده و رویدادهای قانونی آن می باشد و تقریباً همگی بر این واقعیت اتفاق نظر دارند که شخص مبتلا به مرگ مغزی مرده محسوب می شود و تمامی احکام و آثار مردگان بر وی جاری است. به عبارتی امروزه مرگ مغزی در پزشکی، مرگ مطلق تلقی می شود. پذیرش این امر، خصوصاً برای کسانی که ارتباط عاطفی با فردی که دچار مرگ مغزی شده دارند؛ در حالی که ضربان و نبض دارد، نفس می کشد و رنگ چهره اش عادی است و به ظاهر فقط به خواب عمیق فرو رفته است، بسیار مشکل است. برخی عالمان دین نیز، آن را مرگ مطلق نمی دانند و بنابراین، آثار مرگ را بر آن مترتب نمی کنند. بررسی این امر امروزه در مباحثات حقوقی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی و پزشکی جایگاه مهمی دارد، به گونه ای که سمینارهای متعددی در سطح ملی و بین المللی در این باره برگزار شده است و موضع گیری های متفاوتی نسبت به آن وجود دارد. ولی آنکه مشهور است و از معنای ضمنی قانون فهمیده میشود این است که فرد مبتلا به مرگ مغزی را مرده حساب میکنند و احکام این افراد را مطابق با احکام افراد مرده تطبیق میدهند.

واژگان کلیدی " مرگ، مرگ مغزی، اعمال حقوقی، وقایع حقوقی، اهلیت

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱۲	مقدمه
۷	الف) بیان مساله
۹	ب) سوالات تحقیق
۱۶	ج) فرضیه ها
۱۶	د) اهداف پژوهش
۱۶	و) مشکلات و موانع تحقیق
۱۷	ه) روش تحقیق (جمع آوری اطلاعات)
۱۱	فصل اول: کلیات
۱۱	مبحث اول: مفاهیم و تقسیمات
۱۸	گفتار اول- مفهوم مرگ و انواع آن
۱۸	بند اول: مفهوم مرگ
۱۹	بند دوم: اقسام موت
۱۹	الف) مرگ حقیقی
۲۰	ب) مرگ فرضی
۲۰	ج) مرگ حکمی
۲۱	د) مرگ مغزی
۲۲	گفتار دوم: مقایسه ی مرگ مغزی با مفاهیم مشابه
۲۲	بند اول: سکنه مغزی
۲۳	بند دوم: خونریزی مغزی
۲۴	بند سوم: تومور مغزی
۲۵	بند چهارم: کما و اغما
۲۷	گفتار سوم: معیار تشخیص مرگ مغزی
۲۷	بند اول: معیار تشخیص مرگ مغزی از نظر فقهی
۳۰	بند دوم: معیار تشخیص مرگ مغزی از نظر پزشکی
۳۱	الف - معیار های بالینی
۳۱	ب - فقدان واکنش های ساقه مغز:
۳۲	ج - عدم وجود تنفس خود به خودی
۳۳	د - منتفی بودن شرایط مشتبه شونده با مرگ مغزی
۳۴	ه - گذشت مدت زمان انتظار
۳۴	مبحث دوم: پیشینه ی مرگ مغزی در مباحث حقوقی
۳۶	فصل دوم: تاثیر مرگ مغزی در حقوق مالی و غیرمالی اشخاص
۳۶	مبحث اول: حقوق مالی

۳۷	بند اول: حقوق عینی
۳۷	الف) حق عینی اصلی
۳۷	۱- حق انتفاع
۴۰	۲- ارتفاع
۴۱	۳- حق اولویت
۴۴	ب) حقوق عینی تبعی
۴۴	۱- حق شفعه
۴۷	۲- حق رهن
۴۸	بند دوم: حقوق مالی دینی
۴۸	الف) نفقه زوجه
۴۹	ب) اثر مرگ مغزی زوجه قبل از نزدیکی در حق او نسبت به مهر
۵۱	مبحث دوم: حقوق غیر مالی
۵۱	گفتار اول: تأثیر بر حقوق خانواده
۵۲	بند اول- تأثیر بر حقوق زوجین
۵۳	بند دوم- تأثیر بر حقوق هر یک از ابویین و فرزندان
۵۳	الف) حق ولایت
۵۴	ب) حق حضانت
۵۵	ج) حق سرپرستی
۵۵	د) حق قصاص
۵۷	س) حق قذف
۵۸	ر) حق تعقیب
۵۹	و) حق تعقیب کیفری
۶۱	گفتار دوم: تأثیر بر سایر حقوق غیر مالی
۶۱	مبحث سوم: تأثیر بر حقوق معنوی
۶۲	بند اول: حق کار فکری
۶۳	بند دوم: حق سهم الشرکه و سهام شرکتهای سهامی
۶۶	بند سوم) حق سر قفلی
۶۷	فصل سوم: تأثیر مرگ مغزی در معاملات و وقایع حقوقی
۶۷	مبحث اول: معاملات
۶۷	گفتار اول: تأثیر مرگ مغزی بر صحت و انحلال قرارداد
۶۷	بند اول: شرایط صحت
۶۸	الف) ایجاب
۶۸	ب) قبول
۷۱	ج- تنفیذ عقد
۷۳	د- قبض و اقباض

۷۵	بند دوم) انحلال عقد
۷۵	الف) اقاله
۷۷	ب) خیار
۷۹	گفتار دوم: تأثیر بر معاملات معین
۷۹	بند اول- عقود لازم
۸۰	الف) عقد بیع
۸۴	ب) اجاره
۸۸	ج) مزارعه
۹۰	د) عقد قرض
۹۴	و) عقد ضمان
۹۷	ه) عقد رهن
۱۰۱	د) عقد کفالت
۱۰۴	بند دوم: عقود جایز
۱۰۴	الف) شرکت
۱۰۸	ب) عقد ودیعه
۱۰۹	ج) مضاربه
۱۱۱	د) عقد عاریه
۱۱۲	و) عقد وکالت
۱۱۴	ه) عقد هبه
۱۱۶	ی) وصیت
۱۲۲	مبحث دوم- تأثیر فوت بر تعهدات حاصل از وقایع حقوقی
۱۲۳	گفتار اول- غصب
۱۲۴	گفتار دوم- اتلاف
۱۲۴	گفتار سوم- تسبیب
۱۲۴	گفتار چهارم- استیفاء
۱۲۶	نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۳۱	پیشنهادات
۱۳۲	منابع و مأخذ

مقدمه

در زمان‌های قدیم حتی تا اوائل قرن نوزدهم، تعریف مرگ آسان و ساده بود. چرا که توقف قلب معادل مرگ دانسته می‌شد. این دیدگاه تا قبل از ابداع روش‌های جدید بازگرداندن دوباره به حالت حیات، حاکم بود. کمپس، پرفسور فقید انگلیسی که آثار جاودانه‌ای مانند کتاب پزشکی قانونی از او به یادگار مانده، می‌گوید: «مرگ به هر صورتی که باشد یک امر پزشکی است». بنابراین تشخیص وقوع مرگ و زمان آن در صلاحیت کارشناس یعنی پزشکی قانونی است. چرا که آثار مترتب بر آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. آثاری چون تحقق یا عدم تحقق قتل، تعیین قاتل، نوع قتل، ارث، دیه و ... از آن قبیل است. در بدن انسان مغز، مرکز فرماندهی و کنترل بسیاری از اعمال حیاتی بدن می‌باشد و هنگام مرگ مغزی بافت‌های قسمتهای گوناگون مغز شامل مخ و ساقه مغز به دلیل کمبود اکسیژن همگی می‌میرند و امکان بازسازی آنها وجود ندارد همچنین امکان پیوند مغز و ساقه مغز از انسان دیگر با تکنولوژی امروزی و مبانی اخلاق پزشکی وجود ندارد پس اگر با انجام معاینات، پزشکان مرگ مغزی را برای بیماری تشخیص دهند مرگ او محتوم خواهد بود. مرگ یک واقعه حقوقی می‌باشد که بر حقوق مختلف اثرات متفاوتی دارد، برخی از حقوق مانند حق زوجیت و حق حضانت و نفقه و نیز حق عمری که مقید به مدت عمر مورث باشد با فوت ذی‌حق زایل می‌شوند، زیرا وابسته به شخصیت فرد می‌باشد. واقعه مرگ همانگونه که بر حقوق فرد اثر گذار می‌باشد بر تعهدات وی نیز مؤثر است. تعهدات که مالی می‌باشند عمدتاً دچار تغییر نمی‌شود و باید از ترکه متوفی پرداخت گردند، اما چنانچه تعهد، شخصی باشد با فوت متعهد، تعهد نیز زایل شده به ورثه وی منتقل نخواهد شد. گاهی مرگ فرد موجب بری شدن ذمه مدیونی می‌شود و آن هنگامی است که مدیون مالک فی‌الذمه خود گردد، یعنی وارث دائن خود گردد که به صراحت ماده ۳۰۰ قانون مدنی دین او

پس از فوت مورث، نسبت به سهم الارث او ساقط می شود. مرگ بر دیون موجل متعهد نیز اثر گذار است و موجب حال شدن اینگونه تعهدات است. مرگ بر برخی از عقود نیز مؤثر می باشد به گونه ای که موجب بطلان عقود جایز می شود، ولی بر وصیت تملیکی اثری متفاوت دارد بدین توضیح، وصیت تملیکی که تا قبل از مرگ موصی جایز می باشد و وی می تواند هر زمان که بخواهد آن را تغییر داده یا از آن عدول نماید به محض رخداد مرگ از طرف وی لازم گردیده و وارث حق تغییر و عدول از آن را ندارد. مرگ بر عقودی که از یک طرف لازم و از یک طرف جایزند اثر متفاوت دارند، اما در عقود لازم قاعداً بدون تأثیر است. با توجه به مطالب مطروحه مشخص می گردد که در تمام مواردی که مرگ دیحق و یا متعهد مؤثر می باشد از لحظه وقوع مرگ اثر شروع می شود، بنابراین مهم است لحظه وقوع مرگ مشخص گردد، این امر در مرگ طبیعی و عادی با مشکلی مواجه نمی شود اما در حالت مرگ مغزی که فرد مبتلا در حالت بینا بینی است، به گونه ای از طرفی او را مرده می دانند و اجازه داده می شود اعضایش اهدا گردد و از طرف دیگر او را زنده می دانند و سخن از تجهیز و تکفین او مذموم شمرده می شود. لحظه وقوع مرگ مشخص نیست به همین علت سؤالات گوناگونی در این زمینه به وجود می آید که در این تحقیق در بحث مربوط به مرگ مغزی به آنها پرداخته می شود. لازم به یادآوری است که در این رساله با توجه قانون پیوند اعضاء و فتاوالی اکثر مراجع، فرد مبتلا به مرگ مغزی را مرده فرض کرده و احکام شخص فوت شده را بر آن جاری می کنیم.

الف) بیان مساله

یکی از جنجالی ترین موضوعات علم پزشکی که در دهه های اخیر مطرح شده و بحث های زیادی را به دنبال داشته است، مسئله مرگ مغزی است. شاید در نگاه نخست این مسئله به صورت یک موضوع پزشکی خودنمایی کند، اما با تأملی بیشتر، پرداختن به ابعاد اخلاقی، مذهبی، سیاسی و حقوقی این مبحث، اجتناب

ناپذیر است. طبقات مختلف دانشمندان اعم از علمای دینی، پزشکان، حقوقدانان و سیاستمداران در قبال این موضوع اظهارنظر کرده اند و هر کدام براساس نحوه نگرش خویش به این موضوع پرداخته اند. با توجه به اینکه مرگ و مرگ مغزی موضوع احکام زیادی از قبیل ارث، عده، دیه، قصاص، بطلان وکالت، جواز ازدواج زوجه، پیوند اعضاء و... می باشد، که ذیلا به برخی از آنها به اجمال اشاره می نماییم:

ملکیت فرد مبتلا به مرگ مغزی و انتقال آن به ورثه: آیا فرد مبتلا به مرگ مغزی هنوز مالک اموال خود است یا مالکیت او زایل شده و اموال او بین ورثه تقسیم می شود؟

بطلان یا عدم بطلان عقود اذنی: بعضی از عقود مثل مضاربه به اذن نیاز دارند، و با مرگ طرف عقد باطل می شوند، حال اگر فردی که عقد مضاربه را انجام داده دچار مرگ مغزی شود، آیا عقد او باطل می شود؟

بقا یا عدم بقای زوجیت و دیگر احکام مترتب بر آن: آیا با حادث شدن مرگ مغزی رابطه زوجیت او و همسرش قطع می شود و همسر او بعد از گذشتن عده می تواند با دیگری ازدواج کند و آیا در مدت مرگ مغزی نفقه همسر بر او واجب است؟

قصاص و دیه: مهمترین این آثار مسأله قصاص و دیه است، یعنی آیا قطع اعضای شخص دچار مرگ مغزی، برای پیوند به دیگری موجب قصاص یا دیه می شود؟ و قطع اعضای رئیسه او قتل محسوب می شود؟

ولی علیرغم اهمیت بالای زمان مرگ قطعی، قانونگذار ایران تعریفی از مرگ ارائه نداده است. لذا رجوع به دیدگاه فقها اجتناب ناپذیر می نماید. برخی از فقها علیرغم مرگ مغزی شخص، وجود ضربان قلب را دلیل حیات می دانند.

، بقا یا عدم بقای زوجیت ، بطلان یا عدم بطلان عقود اذنی، و از همه مهمتر پیوند اعضای رئیسه مشخصه به بیماران، لازم می نماید تحقیقاتی در زمینه موضوع انجام گردد لذا تحقیق حاضر بمنظور بررسی وضعیت اهلیت حقوقی بیماران مبتلا به مرگ مغزی بعنوان سؤال اصلی تحقیق، ابعاد مختلف مساله را از نظر حقوقی و فقهی مورد مطالعه قرار خواهد داد.

مصوبه ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی در مورد مرگ مغزی، امروزه در بیمارستان های کشور از اعضای افراد دچار مرگ مغزی برای پیوند به بیماران دیگر استفاده می شود (که این مسأله اماره بر این است که نظر قانونگذار بر مرگ افراد مبتلا به مرگ مغزی می باشد). در حالیکه غالب فقها قطع اعضای رئیسه فرد دچار مرگ مغزی را جایز نمی دانند و حتی برخی آن را قتل و موجب قصاص می دانند. علاوه بر آن شورای نگهبان نیز در سه مرحله مخالفت خود را با این مصوبه مجلس اعلام کرده است.^۱

نظر به اهمیت مساله و اختلاف نظر فقها مبنی بر داشتن یا نداشتن اهلیت حقوقی و عدم تعریف قانونگذار از مرگ و عدم تعیین زمان دقیق آن، بمنظور تعیین وضعیت اهلیت برای تعیین اعتبار اعمال حقوقی آنها و دیگر نهادهای حقوقی که مربوط به آنها می باشند .

ب) سوالات تحقیق

۱- نظر ضمنی قانونگذار در رابطه با اهلیت حقوقی بیماران مبتلا به مرگ مغزی چیست؟

۲- اثر مرگ مغزی بر حقوق و تعهدات حاصل از اعمال حقوقی و وقایع حقوقی چگونه است؟

۳- آیا با مرگ فرد تمام حقوق و تعهدات وی از بین می رود؟

۱. محمدی کرجی ، رضا ، ماهیت مرگ مغزی و آثار فقهی و حقوق آن، فصلنامه فقه اهل بیت ، سال شانزدهم، شماره ۶۲.

ج) فرضیه ها"

- ۱- بنظر می رسد، که با توجه به جواز پیوند اعضای بیماران مبتلا به مرگ مغزی به بیماران دیگر، قانون گذار ایران قائل به مرگ قطعی این بیماران و عدم اهلیت حقوقی آنها می باشد.
- ۲- مرگ مغزی فرد بر حقوق و تعهدات حاصل از عقود و ایقاعات اثرات متفاوتی دارد.
- ۳- با مرگ فرد همه حقوق و تعهدات وی از بین نمی رود.

د) اهداف پژوهش"

- تبیین وضعیت حقوق و تعهدات فرد مبتلا به مرگ مغزی شده است و عملی که در برخی از موارد وجود دارد.
- افزایش ادبیات موضوع، آگاهیها و اطلاعات علمی در رابطه با موضوع.
- ارائه نقص های قانونگذاری و مدیریتی در رابطه با موضوع از طریق بررسی جامع آن.
- ارائه راهکارهای مناسب در جهت تعمیم کاربردی احکام موضوع.
- ترغیب و تشویق علاقه مندان و حقوقدانان تا با پشتوانه های علمی و تجربیات خود، گامی در جهت توسعه حقوقی و قضایی در این رابطه بردارند.

و) مشکلات و موانع تحقیق"

یک کار تحقیقی مناسب علاوه بر جنبه های علمی و آکادمی، بایستی واجد جنبه های عملی نیز باشد. چرا که حقوق آمیزه ای از علم و عمل می باشد و با عنایت به این که تعداد تالیفات حقوق مدنی در زمینه تحلیل وضعیت حقوقی مرگ مغزی محدود بوده و نویسندگان حقوق مدنی به صورت گذرا و بیشتر در مبحث به حقوق اموات و پیوند اعضاء به آن پرداخته اند. بنابراین برای دست یابی به مطالب مورد نظر،

ناگزیر از مراجعه به کتابخانه ها و دانشکده های مختلف شده که چنین امری جمع آوری مطالب را با مشقت همراه نموده است.

ه) روش تحقیق (جمع آوری اطلاعات)

از دو روش برای جمع آوری مطالب استفاده شده است.

الف) روش کتابخانه ای: از آنجا که کلیه دانش های بشری را می توان در کتاب و کتابخانه جستجو کرد، به جهت جمع آوری اطلاعات، قبل از استفاده از هر ابزار دیگری از کتاب استفاده شده است.

ب) اینترنت: برای این که مطالب جمع آوری شده از طریق روش کتابخانه ای با مطالب روز تطبیق داده شود، از اینترنت استفاده شده است. با مراجعه مستقیم به منابع موجود در کتابخانه و مطالعه کتب مختلف حقوقی و فقهی و مقالات، مطالب مورد نظر با فیش برداری جمع آوری شده است و همچنین از شبکه های کامپیوتری و نرم افزارهای فقهی نیز به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: در توصیف حقوقی و تحلیل محتوا براساس قواعد منطقی حقوقی پرداخته تا نتایجاً به بهترین نظرها رسیده و ابهامات موجود و جایگاه واقعی موضوع را شناخته و ارائه نماییم. همچنین نگارنده در صدد است که طرز ارائه مطالب تحقیق ضمن این که از جنبه های نظری برخوردار باشد، جنبه های عملی و کاربردی نیز داشته باشد. در واقع در تهیه و گردآوری سعی شده است با استفاده از روش تحلیلی و منابع کتابخانه ای، علی رغم منابع محدود در این زمینه، نظرات حقوقدانان در هر زمینه که مربوط به این عنوان باشد، جمع آوری و در حد امکان با رجوع به کتب و مقالات ایشان، موضوعات بررسی شده و همچنین رویه عملی محاکم نیز در آن خصوص بیان شده است. و به جهت این که قانون مدنی ما در مقررات مربوط به مرگ و اموات از فقه امامیه اقتباس شده است و به منظور پربار شدن محتوای

علمی تحقیق، در حد وسع و توان، تحلیل نظرات متفاوت فقهی و بررسی آن با نظرات حقوقدانان را از نظر دور نداشته ایم. و در این راستا از تقسیماتی چون فصل، مبحث، گفتار و بند بهره جسته و در نهایت به عنوان نتیجه، فشرده نتایج به دست آمده به منظور ارائه پاسخی در خور شایسته به سوالات تحقیق بیان می گردد و با نتیجه گیری بحث را پایان می بریم.

فصل اول: کلیات

مبحث اول: مفاهیم و تقسیمات

در هر پژوهش علمی، بدون شک، مفاهیم و نکات کلیدی وجود دارد که پایه و سرفصلهای تحقیق را شامل می شود. در این مبحث نیز به منظور روشن شدن این مفاهیم کلیدی به تعریف لغوی و اصطلاحی آنها خواهیم پرداخت.

گفتار اول- مفهوم مرگ و انواع آن

بند اول: مفهوم مرگ

مرگ و به عبارتی فوت در لغت به معنای «از دست شدن - در گذشتن کار- گذشتن و از دست رفتن کار و نیز در گذشتن - نیست شدن و مردن آمده است.»^۱

مرگ در اصطلاح همان فوت است و مرگ متضاد حیات می باشد. بنابراین می توان گفت فوت (مرگ) عبارت است از «توقف حیات و از بین رفتن قطعی و برگشت ناپذیر اعمال قلبی و عروقی و تنفسی

^۱ دهخدا، لغت نامه، جلد ۱۰، ص ۱۵۱۹۸ و عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، سال ۱۳۶۹، ص ۹۶۲

و حسی حرکتی زیرا فقدان آنها موجب مرگ حتمی سلول های مغزی که قاطع ترین علامت مرگ است^۱ خواهد گردید.»

با توجه به توضیح فوق پایان حیات طبیعی شخص است. وقتی واقعه مرگ برای فردی اتفاق افتاد، همزمان با مرگ جسمی، شخصیت حقوقی وی نیز از بین می رود و او را نمی توان مانند شخص زنده دارای حق و تکلیف دانست.^۲

بند دوم: اقسام مرگ:

مرگ را می توان به حقیقی، فرضی، حکمی و مغزی تقسیم نمود:

الف) مرگ حقیقی،

مرگ وقتی قطعی است که اعمال قلبی و عروقی و حسی و حرکتی به طور کامل از بین برود و برگشت آن امکان نداشته باشد. علایم مرگ حقیقی عبارتند از توقف جریان خون، توقف تنفس، اتساع و ثابت ماندن مردمک در هر دو چشم و از بین رفتن امواج قلب و مغز. معمولاً مرگ حقیقی سه تا پنج دقیقه پس از قطع تنفس و جریان خون و به عبارت دیگر ظاهر شدن علایم ذکر شده فوق به وقوع می پیوندد.^۳ بنابراین بارزترین مصداق ازهاق نفس و مرگ، این نوع از مرگ است.

^۱ قضایی، صمد، پزشکی قانونی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، خرداد ۷۳، ص ۳

^۲ صفایی، سید حسن و قاسم زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، ۱۳۸۲، ص ۵۱

^۳ آقایی نیا، حسین؛ جرایم علیه اشخاص (جنایات)، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۶، ج سوم، ص ۲، ص ۵۰

ب) مرگ فرضی:

در پاره ای موارد مثل وضع غایب، در مرگ انسان تردید به وجود می آید و این سؤال مطرح می شود که آیا او مرده است؟ آیا احکام شخص زنده بر او بار می شود یا احکام مرده؟ پاسخ سؤال با توجه به وضع غایب مشخص می شود، زیرا هرگاه او زنده نباشد مرگ او ثابت گردید تکلیف قضیه روشن است. اما مشکل زمانی ایجاد می شود که هیچ دلیلی که دال بر مرگ او باشد در دست نیست و قرینه و اماره ای هم مبنی بر زنده بودن غایب نباشد. در حقوق اسلامی، وقتی دلیل قطعی بر امری نباشد و قرینه و اماره ای هم که دلالت بر آن نماید یافت نشود، اصول عملیه در مقام رفع تحیر به کار گرفته می شود.^۱ یکی از این اصول، اصل استصحاب است که در مورد بحث ما به کمک این اصل می توان قائل به زنده بودن غایب مفقود الاثر تا زمان صدور حکم موت فرضی توسط دادگاه بود. دادگاه برای چنین فردی، با انقضای مدتی که فرد با آن شرایط عادتاً زنده تصور نمی شود، حکم موت فرضی وی را صادر می کند بنابراین گذشتن مدت مزبور از نظر قانونگذار اماره بر موت محسوب شده و اماره نیز بر اصل مقدم است، زیرا اماره مبتنی بر ظن و غلبه است در حالی که اصل عملی در موارد شک برای خروج از تحیر به کار می رود.^۲

پس با توجه به توضیحات فوق، موت فرضی مدتی است که به موجب حکم دادگاه، درباره شخصی که غایب مفقود الاثر شده فرض می شود.

ج) مرگ حکمی:

مراد از مرگ حکمی، مرگی است که حقیقت ندارد و شخص از جهت زیست شناسی یقیناً زنده است، برخلاف مرگ حقیقی که حقیقتاً شخص مرده است و مرگ فرضی که محتمل است شخص زنده باشد. این

^۱ الاصل دلیل حی لا دلیل.

^۲ همان، ص ۷۱